PROPERTY OF ACKU

هفته نامهء
اتحاد اسلامی
بیانگر آرمان اتحاد اسلامی افغانستان

ریشه های اسرائیل در آسیای میانه
ص(٤)

هم آهنگی ائتلاف او دملت غوښتنی
(٢)مخ

شمارهء مسلسل(٢٣٦)سال دهم ـ شمارهء (٤١) چهارشنبه (١٥)سرطان ١٣٧٣ هـ ش. (٢٧) محرم ١٤١٥هـ ق (٦)جولای ١٩٩٤م
قیمت (٥٠) افغانی (یك روپیه)

محترم قاري تاج محمد (قاري بابا) د بي بي سي سره په مرکه کې

دوستم وطنفروش دی، د هرات په غونډه کې یې نشو منلای

د ستري محکمې حکم شرعي دی موږ ورته غاړه ایښې
د هرات غونډه به ضرور کیږي
(٨) مخ

قابل توجهء شورای محترم جهادی ننگرهار:

از تداوی ملیشه های ملحد در شفاخانه های جلال آباد جلو گیری نمائید
ص(٨)

محترم انجنیر محمود له اتحاد اسلامی سره په مرکه کې:

- دننگرهار شورا دخپل راتلونکی سمینار دکامیابی څخه مایوس نده.
- دننگرهار دطب په پوهنځی کی اویا تنه استاذان د (٧٠٠) تنو محصلینو په روزنه بوخت دی.
- دقوس دمیاشتی راهیسی زمونږ مامورینوته معاشونه ندی ورکړ شوی ص(٣)

اظهار برائت از خود!!
حکمتیار اعتراف نمود که...
ص(٢)

دعوت اوجهاد دپوهنتون څخه راغلی لیك:

نو اوس ووایه چی وهابی ستا انقلابی مشردی که بل څوك!؟
ص(٣)

مسلمانان در برابر چلنج های دنیای معاصر
ص(٥)

بنام خداوندی که بی اندازه مهربان و نهایت با رحم است

سرمقاله

ملیشه ها نابود میشوند

یکی از عوامل عدم ثبات و آرامش در کشور بعداز سرنگونی حکومت کمونستی ، وجود بقایای کمونیزم است که تحت پلان دقیق استعمار درشمال کشور تجمع کرده و حزب دیموکراتیك خلق را که اخیراً نام حزب وطن را بخود گرفته بود ، با تغییر نامش به جنبش ملی اسلامی، احیا کردند و برای آنکه ازخشم ملت در امان بمانند ودر حکومت نیزسهیم شوند ، طی یك درامهء شیطانی مقداری اسلحه و مهمات راάز دیپو های افغانستان دزدیدند و بنام بغاوت علیه حکومت نجیب ، به تطبیق دسیسهء جدید علیه ملت ما پرداختند.

اختلافات مجاهدین ، دسائس بین المللی و اعلان عفو عمومی برای کمونستها قاتل ملت ، ایشان رابه زنده ماندن بیش ازپیش امید وارساخت و قابل تذکر است که حکمتیار نخستین کسی بود که این دشمنان سوگندخوردهء دین ووطن و قاتلان خونخوار یك ونیم ملیون شهید را بخشید.

کمونستها که درشمال قوهء نظامی قابل ملاحظه یی گرد آورده بودند ، به انعقاد جلسات خود درپشاور و کابل ومزار پر داختند تا طرق جلو گیری از ثبات واستحکام دولت نوپای مجاهدین را مورد بررسی قرار دهند.

درین جلسات فیصله نمودند که باید در چند جبهه علیه دولت اسلامی مجاهدین فعالیت نمایند وآن عبارت بود از تبلیغات وپروپاگند علیه مجاهدین و دولت شان ، دامن زدن به آتش اختلافات و مشتعل نگهداشتن آن وکوشش در جهت سهم گرفتن به دولت بخصوص در اردو از طریق جنبش به اصطلاح ملی اسلامی.

تبلیغات علیه دولت اسلامی مجاهدین از طرف کمونستها و سائر دشمنان اسلام ادامه یافت و پا بپای آن تلاش درجهت تشدید اختلافات مجاهدین نیز شدت گرفت وجنون قدرت طلبی قیادت حزب اسلامی موفقیت این کوششها را تضمین کرد .

درین بحبوحه مساعی زیادی از طرف جهات خیر خواه و مصلح برای رفع اختلافات بخصوص دربین دولت و حکمتیارصورت گرفت و کمونستها برای ناکام ساختن آن هیچ فرصتی را از دست ندادند و باربار به ملیشه های مسلح خود که در نقاطی از کابل سنگر گرفته بودند ، دستور دادند با فتنه انگیزی و حمله به مصلحان و مواضع ایشان این تلاشها را خنثی نمایند.

ازسوی دیگر تلاش کمونستها برای برسمیت شناخته شدن حزب جدید شان یعنی جنبش به اصطلاح ملی اسلامی ازطرف دولت وگرفتن سهمی در کابینه و
ص(٧)

اسرائیل آسیای میانه و بنیادگرائی اسلامی

سفر شمعون پریز وزیر خارجهء اسرائیل به ازبکستان و سخنانی که وی دررابطه با خطر بنیاد گرائی برای آسیای میانه بر زبان آورد نشان ازاهمیت این منطقه از جهان درنزد دشمنان اسلام دارد. از اینکه دولت ازبکستان تلاش داردتا مانع نفوذ دین درسیاست گرددمورد ستایش شمعون پریز قرارگرفت. اوگفت که کشور های آسیای میانه خطر بنیادگرائی اسلامی را درك کرده و در برابر آن دست به اقدامات لازم زده اند و اسرائیل میتوانددر این رابطه با کشورهای آسیای میانه کمك و همکاری نماید.

نکتهء جالب توجه درسخنان پریز آن بود که وی گفت درگذشته کشورهای عربی اسرائیل را دشمن خود می شمردند ولی اکنون دریافته اندکه برای آنان بنیادگرائی اسلامی بمراتب خطرناکتراز اسرائیل است، و او از اینکه دولت های حاکم برجمهوری های مسلمان نشین آسیای میانه این خطر را احساس کرده ند ابراز خرسندی نمود.

از زمانیکه با شکست و نابودی اتحاد شوروی جمهوری های مستقل در آسیای میانه قد علم کرد اسرائیل برای نفوذ در این جمهوری ها تلاش نموده است زیرا در این جمهوری ها نه تنها نیروی انسانی متخصص و کار آزموده که در جهت پیشرفت تکنالوژی میتواند بسیار کار آمد باشد وجود دارد بلکه در این نقطه از جهان نیروی اتومی نیز موجود است اگرروابط جمهوری های مسلمان آسیای میانه با سایر کشور های اسلامی بخصوص افغانستان، پاکستان، ایران وترکیه حتی در قالب یك اتحاد ضعیف اقتصادی نیز نزدیك گردد ،برای اسرائیل و امریکاسخت خطرناك است. بخصوص اسرائیل ازاین هراس دارد که اگر قسمتی از منابع مادی کشور های نفت خیز عرب نیز به این سمت سرازیرشود احتمال بوجود آمدن یك قدرت نظامی در خور توجه و دارندهء سلاح اتومی دراین نقطهء حساس از جهان بعید از امکان نیست واین چیزی است که اسرائیل وغرب سخت ازآن در هراس اند.

اسرائیل در مبارزه با مجاهدین مسلمان صاحب تجربه است و همین تجربه سبب شد که هندوستان حتی بصورت مستقیم نیروهای اسرائیلی را برای جنگ علیه مجاهدین کشمیر بکار گیرد. همکاری نزدیك بین (را)سازمان جاسوسی هندوستان و(موساد)سازمان جاسوسی اسرائیل تازگی ندارد. تلاش های امریکا برای غیر فعال ساختن پروگرام اتومی پاکستان و فشار هایی که از این جهت بر پاکستان وارد می آورد پرده از دسیسهء عظیمی بر میدارد که یهود و نصارا علیه اسلام و مسلمین براه انداخته اند و البته هندو ها نیز دررقابت با پاکستان درخارج و درمبارزه با مسلمانان آزدیخواه کشمیر در داخل اکنون با اسرائیل کاملاً هدف مشترك دارند و اگر کشورهای این منطقه از جهان، بین خود به وحدت دست یابند، هندوستان عملاً به محاصره خواهد افتادو کاملاً تنها خواهد ماند.

یهود، هندوها ونصارامی دانند که اکثریت مردم آسیای میانه را مسلمانان تشکیل میدهد و هفتاد سال تسلط کمونیسم با همه فشارها و جنایاتش نتوانست اسلام را ازدل و دماغ مسلمانان آسیای میانه بزداید ولی با وجود این حقیقت مسلم آنها چشم به عناصری بر این نقطه ازجهان دوخته اند به این امید که بتوانند ازآنان درجهت جلوگیری ازقیام مسلمانان استفاده کنند. اسلام کریموف یکی از این چهره هاست.

نیروی نظامی ازبکستان همین اکنون در تاجکستان در کنار نیروهای روسی به سرکوب مسلمانان تاجك مصروف اند در داخل ازبکستان نیز از تحریك اسلامی نیرومند آنگونه که در تاجکستان دیده میشوداثری وجود ندارد. امریکا و اسرائیل و هندوستان به همین علت برای ازبکستان اهمیت ویژه قایل اند و تأکید وزیر خارجهءاسرائیل به اینکه خطر اصلی برای کشور های اسلامی نه اسرائیل بلکه بنیادگرائی اسلامی است نشان از هم جهت بودن اهداف اسلام کریموف با اسرائیل دارد وبا سفر وزیر خارجهء اسرائیل به ازبکستان شاید همکاری در جهت مبارزه با مسلمانان بیشتر گردد. بخصوص همکاری اسرائیل

ص(٦)

اظهار برائت از خود!!

حکمتیاراعتراف نمود که:

- تفنگداران او در مسیر شاهراه کابل -جلال آباد سرقت و رهزنی می نمایند.
- در سروبی بی امنیتی و بی نظمی وجود دارد و افراد او مسؤل آزارو اذیت وچپاول مسافران می باشند.

چندی قبل آقای حکمتیار به سروبی رفته بود تا در جهت تنسیق و هماهنگی ملیشه های وحشی دوستم و ملیشه های بی فرهنگ خود در آن منطقه اقداماتی نماید. جریده شهادت در شماره ۱۲سرطان صحبت حکمتیار در سروبی را به نشر سپرده و اعتراف نموده است که «وی بخاطر رفع شکایات مردم از پوسته های مسیر شاهراه سروبی کابل وارد سروبی شده بود».

حکمتیار در این صحبت به صراحت اعتراف کرده است که:

۱-تفنگداران او در سروبی «پاتك ها اعمار نموده، از مردم اخاذی می نمایند، وسایط نقلیه را متوقف و یا تفتیش و تلاشی می کنند وبه بهانهء تلاشی به آزار و ایذای مردم میپردازند».

۲-«رهزنان در طول این شاهراه به سرقت می پردازند و برای عابرین مزاحمت ایجاد می نمایند»

۳-تفنگداران او درسروبی علاوه بررهزنی و چپاول اموال و دارایی مردم، از کمك های گروه او نیزبرخورداراند. زیرا تهدیدمی کند که درصورت عدم توجه به اخطار های او«تمام کمك ها قطع خواهد شد»

٤-ولسوالی سروبی که دراشغال تفنگداران اوست ،هنوز فعال نبوده و پول حق العبور برای امورادارای ولسوالی، شفاخانه و مکتب به مصرف نمی رسد و اصلاً شفاخانه و مکتب وجود ندارد.

٥-تفنگداران او مردم رادستگیر و محبوس می سازند.

٦-در سروبی« بی نظمی و بی امنیتی حکمفرماست، سرومال کسی در امن نیست ..گرانی و قیمتی وجود دارد .فضای امنیت ،اخوت و برادری وجود ندارد.

مردم بی جهت مورد اذیت و ایذا قرار می گیرند ،برای مسافران مزاحمت ایجاد می شود و کسانی که از این منطقه عبور می کنند خاطره نیك با خود نمی برند»

۷-تفنگداران او «مردم را اذیت، راهزنی، و سرقت می نمایند این ظالمان از کسانی که یك بوجی آرد و یا یك قطی روغن برای مصرف شخص خود میبرند، آرد و روغن شان را گرفته و مردم را مورد اهانت و بی [illegible]تی قرار می دهند»

حکمتیار در اخیر تفنگداران خویش را ظالمان خطاب نمود و گفت که این ظالمان از ما نیستند ،آنان دشمنان مسلمین و دشمنان خدا می باشند. وبالآخره آقای حکمتیار با ترحم و دلسوزی کامل !!اعلام نمود که: کسانیکه موجب آزار و اذیت مردم شده، در راه ها دزدی و رهزنی می کنند ،آنها از ما نیستند و ما از آنها اظهار برائت می کنیم!! این سخنان را حکمتیار درحالی می گوید که در مسیر یاد شده جز تفنگداران راهزن و بی فرهنگ او کسی دیگر وجود ندارد و بدین

ص(۷)

هم آهنگی ائتلاف او .دملت غوښتنی

داسی ښکاری چی دهم آهنگی ائتلاف دمنځ ته راتگ یو هدف په افغانستان کی داوی چی هلته اسلامی انقلاب دپوره بری ډرشل ته ونه رسیږی ؟ځکه خو نن زمان ددی شوم ائتلاف غړی په ټول توان سره په اسلامی ځواکونو او تنظیمونو پسی ناروا تبلیغات کوی اودکمونستانو پر نظامی ځواك (ددوستم ملیشی) داسلام او مسلمانی ټاپی وهی، دوی په خپلو سترگو وینی چی ددوستم وحشی کمونست پیلوټان دخلکو پر کورونو بمونه وروی مگر دوی دغه بمباری ته داسلامی دولت پرضد دعملیاتو عنوان ورکوی اوپه ډیروپیاړ سره یی په خپله نشریه(شهادت) کی نشرته سپاری ، په خپل ځنگ کی ښه وینی چی غربی مشربه التقاطی تش په نوم مجاهد مشران او کمونستی ځواکونه راټول شوی ، هغوی ته یی هیڅ پام نشته، مگر مجاهد مشران په هغه او دغه متهم کوی او جعلی خبرونه ورپسی خپروی ، ملت غواړی چی زموږ اسلامی انقلاب داسلام دبری لپاره پیل شوی ، نوښایی چی داسلامی نظام ترراتگه پوری داسلام دښمنوقوتونو پرضد ادامه ولری اوله هغه وروسته دټولنی په بیا جوړولواودهیواد په ښیرازه کولو اوهمدارنگه زموږ په ملی او بین المللی سیاست کی فعال نقش ولری ، مگر دهمآهنگی ائتلاف خپرونی په خاصه توگه(شهادت) دخپل تنظیم په پلوی هغه لوری نیولی چی ددی انقلاب دناکامی آسیاب برابروی کمونستانو او دهغوی مرتد ملیشوته دبیا قدرت ته رسیدلو دلایل وړاندی کوی او مسایل عنوانوی اوپه ځنگ کی یی مجاهدوتنظیمونو او مجاهدو مشرانو پسی هغه پرتی وایی چی دکمونستانوخپرونی هم نه ویل...په دی نژدیو کی ټولو ولیدل چی په بالاحصاراو تپهءمرنجان کی خالص او چاڼ شوی کمونستی ځواکونو اودهغوی مرتد ملیشوځاله کړی وو اوله هماغه ځایه یی دکابل ښاراوښاریان دتوغندیواودرنوتوپونوترباران — لاندی نیول ، خوچی کله داسلامی اردو له پلوه عملیات پری وشول اودا دوه مهم مواضع دکمونستانو له ولکی آزادی شوی حزب اسلامی ددی په عوض چی دحالاتوله تقاضو او غوښتنو سره سم دمجاهدو ځواکونو پلوی وکړی بیاهم دکمونستو ملیشو ترشا ودرید اوپه جنگ کی ورگډ شو- له بله پلوه په همدغه اوسنیو حالاتو کی -په هیوادکی عملاً دوه ډوله هلی ځلی را روانی دی: په یوه لوری کی داهلی ځلی دی چی په افغانستان کی داسلامی انقلاب له غوښتنو سره سم حکومت رامنځ ته شی اوپه بل لوری کی بیا داکوششونه جاری دی چی زموږ په هیوادکی تیر نظامونه اعاده شی په دی لوری کی یوه دغربیانوډله ده او بله دکمونستانو چی په کلی توگه بیا په دی کی سره متفق دی چی په هیوادکی غربی ډیموکراسی راولی نه اسلامی نظام ، خو حزب اسلامی له دی ادعا سره سره چی په هیواد کی داسلامی نظام پلوی او مرستندوی دی له همدغو غربیانوکمونستانو اونورو التقاطیونو سره په یو صف کی ولاړدی - کله چی دملت

(۷)مخ

محترم انجنیر محمود له اتحاد اسلامی سره په مرکه کې :

دننگرهار شورا دخپل راتلونکی سمینار دکامیابی څخه مایوس نده. دننگرهار دطب په پو هنځی کی اویا تنه استاذان د (۷۰۰) تنو محصلینو په روزنه بوخت دی.

دقوس دمیاشتی راهیسی زمونږ مامورینو ته معاشونه ندی ورکړ شوی.

جلال آباد (دجولای ٤مه)

پدی کی شك نشته چی دننگرهار جهادی شورا به ګڼ شمیرنیمګړتیاوی ولری خودیو منلی حقیقت په توګه باید و هنو چی ددغه ولایت قو ماندانانو ، علماؤ او قومی مشرانو داسلامی انقلاب دسپیڅلو ارمانونو په پلی کولو کی دیادونی وړګامونه پورته کړی دی چی دبیلګی په ډول په تیرو جنګو نوکی دوی شورا دریمګړتوب ،دموقت حکومت لپاره دجهادی مشرتابه را ټولول ، دپخوا په څیر ددولتی ادارو فعال ساتل،نسبی امن ټینګول دهیواد والو لپاره دحج داسانتیاؤ برابرول په کابل کی دخپل منځی جګړو دقربانیانو لپاره په حصار شاهی کی سر پناه جوړول او دنوی ډیلی او دوبی سره دآریانا دهوائی لیکی بیا فعالول شامل دی .

مونږ په هیواد کی او بالخصوص ننگرهار کی دروانو سیاسی او تعلیمی چارو په اړه دجهادی شورا دیو منلی قو مندان اودطب دپو هنځی درئیس محترم انجنیر محمود سره یوه مطبوعاتی مرکه کړی چی ددرنو لوستونکو په خدمت کی نی ږدو.

پوښتنه: دننگرهار جهادی شورا دکنړ او لغمان دشورا ګانو په ملاتړ دافغانستان دسیاسی لانجی دغوڅولو په نیت دیو دری ورځنی سمینار وړاندیز کړی وو خوداسی ښکاری چی تاسو خپل نوښت او ابتکار بیرته اخیستی وی علت نی څه دی ؟

ځواب : زه ددی خبری سره توافق نلرم چی ګوندی د مشرقی ولایتونو اسلامی شورا دی دخپل ابتکار په اړه شکمنه اودکامیابی څخه مایوسه وی بلکی اصلی خبره دا ده چی مونږ دهرات ، غزنی، او حقانی صیب شوراګانواوغونډوته وخت ورکړ ترڅو هغوی خپل وړاندیزونه او طرحی اعلان کړی. ځکه ننگرهار شورا کومه مشخصه طرحه نه درلوده خواساساً غواړی چی دټولو مطرحو سیاسی او جهادی څواکونو وړاندیزو نوپه نتیجه کی داسی یوه معقوله او جامع لار انتخاب کړی چی دیوی دایمی سولی او مرکزی حکومت زمینه برابره کړی.

پوښتنه : دهرات دغونډی په درشل کی له انجنیر حکمتیار سره دجنرال اسماعیل خان دکتنی په ارتباط موځه نظر دی.

ځواب : دجهادی شخصیتونو ترمینځ لیدنی کتنی معقول بلکی مطلوب کاردی خوفکر کوم چی ددوی ملاقات به غالباً پدی خاطر وو چی یو له بل څخه دخپل دریځ دپخوالی او تقویت لپاره استعمال کړی ځکه انجنیر حکمتیار دی ته چمتو ندی چی دهم آهنګی له شورا څخه دباندی شی او اسماعیل خان له جنرال دوستم سره په دښمنی اخته اوکیناستو ته تیار ندی.

پوښتنه: آیا دکابل دروانو جګړو په هکله څه ویل غواړی.

ځواب: کاش چی هغه د کمونستانو او یالړترلړه دغرب د تالی څتو ترمنځ وایْ دغه ورا نوونکی جګړی نه یوائځی دا چی دکابل دړنګیدو اود زرګونو بی ګناه انسانانو دمرګ ژوبلی او هجرتونو سبب شوی بلکی په سیمه ایزه او نړیواله سطحه نی دمجاهدینو حیثیت سخت زیانمن او دهر طاغوتی رژیم په ضدنی دوسله والی مبارزی بریالیتوب دیو ژور سوال سره مخ کړ په تأسف سره باید ووایم چی مرکزی حکومت او دولت پدی قادر نشول چی یوه سر تاسری سوله او امنیت راولی .

پوښتنه : ستاسو سره دطب دپوهنځی په چو کاټ کی فعلاً څومره محصلین او استاذان دی او عمده ستونزه مو څه شی دی؟

ځواب تقریباً اوه سوه تنه محصلین د اویاتنو استاذانو څارنی او نظر لاندی په علمی او تجربوی زده کړو باندی بوخت دی چی په هغوی کی (۹۵) تنه نجونی هم شامل دی البته د(پی ،سی ، بی) په لومړنی صنف کی (۳۵)تنه نجونی په مستقل او ځانګړی صنف کی تنظیم شوی او مونږ پرو ګرام لروچی په اینده کی باید ګډ او مختلط سیستم ته خاتمه ورکړو اوداسلامی ارزښتونو په پام کی نیولو سره خپل ډاکټران وروزو.

اوداساسی ستونزو په هکله باید ووایم چی زمونږ اکثره تدریسی او تجربوی وسایل ډیر لږ او زاړه دی ځکه هغه د(۱۹٦۰)کال لپاره عیارشوی ؤ او اوس چی ورځ په ورځ علم او سانیس انکشاف او پر مختیا مومی باید چی دنوی عصر دغو بنتنو او اړتیاوی سره خپل درسی پروګرامو نه عیار کړو.همدا رنګه زمونږ کتابتون او لابراتوار هم ډیر ابتدائی دی او کافی استفاده ورڅخه نه کیږی او ددی ترڅنګ باید یادونه وکړم چی د فنی کدرونو کمښت او ددرسی خونو کموالی بل هغه ضرورت دی چی باید جدی پاملرنه ورته وشی.

پوښتنه : آیا تاسو دطب دپوهنځی په تدریسی پروګرام کی کوم ډول بدلون راوستی ؟

ځواب : هوکی! مونږ داسلامی ثقافت په نوم نوی نوی ډیپارټمنټ پرانستی او دځوانانو داسلامی روزنی لپاره موځینی اسلامی پروګرامونه دلاس لاندی نیولی دی.

پوښتنه: ستاسو په فکر ستاسو دمحلی شورا او اداری ځانګړتیا په څه کی وینی ؟ ځواب : زه په ویاړ سره ویلی شم چی دننگر هار جهادی شورادنورو ټولو ولایتونو په پرتله یو خصوصیت لری او هغه داچی دلته هیڅوك هم ګیله او شکایت نلری چی زمونږحقوق خوړل شوی ، ځکه دلته ټولو تنظیمونو ته ځای ورکړ شوی او دهرتصمیم اوپریکړی په نیولو کی دهر تنظیم حضور موجود دی.

پوښتنه :دولایت په سطح تاسو څه ډول مشکلاتو سرمخ یاست؟

ځواب: تقریباً اوه میاشتی وشوی چی مونږ دسختو اقتصادی مشکلاتو سره لاس او ګریوان یو اوپه یادشوی مودی موږ خپلو مامورینو او صاحب منصبانو ته معاشونه ندی ورکړی او دګمرك په ګډون زمونږ مالی عایدات ډیر لږ دی.

ددعوت اوجهاد دپوهنتون څخه راغلی لیك :

نو اوس وواییه چی وهابی ستا انقلابی مشردی که بل څوك!؟

دوخت په تیریدوسره دوست او دښمن ته جوته شوه چی دافغانستان اسلامی اتحاد او دهغه زړور او عالمانه قیادت دجهاد په اوږد وکی دخپلو ځانګړو مبتکرانه او مجاهدانه دریځونو له امله نه یواځی داچی دهیواد دننه داحترام یومنفردمقام ګټلی دی بلکی په نړیواله سطحه نی ددی جهاد دسپیڅلی ارمانونو او هدفونودحریم څخه په دفاع کولوعالمی شهرت ترلاسه کړی چی دطائف اوکویټ اسلامی سرټولنی ئی بهترین ثبوت دی .

دغونی په توګه غواړم چی دزرګونومحصلینو په نما یندګی دمجاهد وروروپوهاند سیاف دنوښتونو (ابتکاراتو) په لړ کی ددعوت او جهاد دپو هنتون جوړولوته اشاره وکړم چی لس کاله دمخه دګلمجم شوی استاد توانا او دهغه دګروپ دسخت مخالفت با وجودد شرعیاتو او اصول الدین دپو هنځی په پرانستلو سره خپل کار پیل کړ اواوس پکی تقریباً دوه نیم زره محصلین داووفاکولتوپه چوکاټ کی ددوه سوه تکړه استا ذانودنګرانی لاندی په عملی او تجربوی زده کړو بوخت دی .

مونږداتحاد اسلامی مربوط محصلین ددی ویاړ لروچی دټولو جهادی تنظیمونودمحصلینو سره مودوروړګلوی او متقابل احترام پر بنسټ دلیلیی او تدریسی ټولګیو په حدود وکی دهغوی در ناوی کړی اوکوښښ موکړی چی څوك داسی ونه انګیری چی ګواکی داتحاد محصلین ددی پخاطر چی رهبرئی دپوهنتون دروند مالی پیټی په اوږواخیستی کومه دامتیاز غوښتنی روحیه لری.

ولی متاْسفانه دیوی جهادی ډلی ګڼ شمیرمحصلین دتوقع پرخلاف په ځینو غیر ضروری او مغرضانه سیاسی فعالیتونو لګیا دی چی نه یواځی دپو هنتون دمسئولینود تشویش باعث ګرځیدلی ، بلکی دنوروتنظیمونو دا عضاودکرکی اوبد خوانی عوامل ئی برابرکړی دی.

شاید له لوستو نکو پټه نه وی چی ځمونږ دامتحانونو څخه څو ورځی وړاندی دیوی معلوم الحالی ډلی لخوا دکوربه هیواد ځینو مقاماتو ته اطلاع ورکړل شو چی په پو هنتون کی غیر قانونی اوسیدو نکو ته ځای ورکړشوی دی خودخدای پاك فضل ؤچی کله هغه خلك راغلل نو ددی په ځای چی کوم منفی تأثرله ځان سره یوسی،ډیره نیکه خاطره ئی له ځان سره یو وړه او ژمنه ئی وکړه چی مونږ به ددی یواځنی علمی اداری په پیا وړ تیا کی ستاسومټی لا مز بوتی اوغښتلی کړو. کله چی دغه حربه هم ناکامه شوه بیائی دتشنا بونو په شمول په ځینو ځایونو کی څه بی ځایه اوپاروونکی جملی اوشعار ونه ولیکل چی ګوا ګی ددعوت او جهاد پوهنتون دوهابیانو په پیسو او اشارو روان دی !!

هو: مو نږ په دی یقین لرو چی ددغی معلوم الحالی ډلی ټول محصلین پدی ناوړه اوکر غیړن پرو پا ګنډ کی ملوث ندی او هغوی به دالله تعالی داحسان څخه وروسته دافغانستان داسلامی اتحا د قیادت داښیګڼه هیڅکله هم هیره نکړی چی پوهاند سیاف دخپل تنظیم دبودیجی څخه هره میاشتی څه با ندی دری میلونه پا کستانی کلداری پو هنتون ته ورکوی ، پداسی حال کی چی ځینی تنظیمونه خپل تعلیم یافته او تنکی ځوانان دجنګ اوبر بادی لپاره آزر بایجان اونورو هیوادونوته استوی ترڅوهلته ډالری وګټی یوه برخه ئی پخپله واخلی اودوه برخی ئی تنظیم ته ورکوی ترڅود قدرت لیونی بد مرغی جنګ وربا ندی جاری وساتی راغلو وها بیت خبری ته نومونږخوالحمد الله په علمی مرکزکی روزل کیږواو دقال الله او قال رسول صلی الله علیه وسلم سره موسر وکاردی خو اوس ځمونږدولس عام خلك هم ښه آګاه دی چی دوهابیت په نوم نه کومه مذهبی ډله موجودیت لری اونه هم کوم سیاسی ارګان ، بلکی دا ددښمنانولخوا یوه اختراع شوی اصطلاح ده اوغواړی چ

داعیان او علمای کرام

تورن کړی ترڅوهغوی ونشی (٦)مخ

ریشه های اسرائیل در آسیای میانه

شمعون پیریز وزیر خارجهء اسرائیل در سفر اخیر خود به ازبکستان بنیاد گرایان اسلامی را شدیداً مورد حمله قرارداد وایشان را با القاب خونخوار،تروریست و مرتجع یاد کرد وازینکه رژیم تاشکند دین را از سیاست جدا می داند، اظهار اطمینان نمود .

وی همچنان خواستار همکاری دو کشور در مبارزه با بنیاد گرایی اسلامی گردید.

اظهارات وزیر خارجه ء اسرائیل با در نظر داشت این حقیقت که جنبش های اسلامی در کشور های عربی وبویژه جنبش های اسلامی حماس والجهاددر فلسطین اشغالی خواب را به چشمان صهیونست ها حرام کرده اند شگفت انگیزنیست و حتی اگر اسرائیل ازین ناحیه مشکلی هم نمیداشت بازهم این سخنان وزیر خارجهء دولت صهیونستی قابل توجیه بود زیرا به شهادت قرانکریم وبه گواهی تاریخ یهود ها دشمن درجه یك اسلام و مسلمانان هستند واین دشمنی تا قیامت به دوستی تبدیل نمیشود بلکه بر عکس زمانی فرا می رسد که در یك جنگ خونین در دو طرف دریای اردن، مسلمانان بر یهود هاغلبه حاصل می کنند و آنگه سنگ و چوب و خشت به اذن الهی از محل اختفای یهود هابه مسلمانان خبر می دهند.

آری! شمعون پیریز درین سخنان خود بیش از آنچه که مقتضای فطرت صهیونستی اوست ،چیزی نگفته است ولی محلی را که برای ایراد این سخنان بر گزیده قابل توجه است ودرك علت آن ایجاب تفکر بیشتر را میکند.

حقیقت اینست که بین دولت صهیونستی اسرائیل بطور خاص وهمهءیهودیان دنیا بطور عام وبین کمونستها و بالاخص کمونستهای حاکم بر آسیای میانهء وجوه مشترك زیادی وجود دارد که باعث نزدیکی شان با همدیگر و تعاون مشترك شان در جنگ علیه اسلام و جنبش های ظفر مند اسلامی میگردد.

نگاهی به تاریخ این حقیقت را می رساند که کمونیزم زادهء صهیونیزم است و فاجعهء کمونستی (۱۹۱۷) در شوروی که پیروان کمونیزم انقلاب اکتوبرش می خوانند توطئه یی بود یهودی که با سرمایهء هنگفت ملیاردران یهودی از قبیل جاکوب شیف و ماکس واربرگروآلفرد مینلر و راکفلرها بوقوع پیوست ، یك جنرال متقاعد روسیهء سفید بنام دوگلوویچ درین مورد می نویسد :« فراهم کنند گان اصلی سر مایهء مالی انقلاب ، نه ملیونر های خسیس روسی بودند ونه رهزنان مسلح لینن ، پول درست وحسابی ابتدا از محافل انگلیسی و امریکائی رسید که از مدت زمان طولانی از اهداف انقلاب حمایت می کردند!!

وی ادامه می دهد:« در بهار(۱۹۱۷)کمك شیف به تروتسکی شروع شد هم زمان با این، تروتسکی وشر کاء ازکمك مالی ماکس و اربرگ واولاف آشبرگ، بانك استکهلم، سندیکای راین و ستفالین وجیو تفسکی نیز

یك جوان فلسطینی در چنگ سربازان اسرائیلی

بر خوردار بودند دختر جیوتفسکی باتروتسکی ازدواج کرد .

شیف ملیونها دالر برای سرنگون کردن تزار خرج کرد و ملیونها دالر دیگر برای برانداختن کرنسکی مصرف کرد ».

کرنسکی شخصی بودکه بعد از سر نگونی تزار بقدرت رسید و طرفدار سوسیال دیموکراسی بود نه کمونیزم ، امابعد از مدت کوتاهی در اثر توطئهء یهود ها و خریداری مردم روسیه وایجاد بلوا و شورش علیه وی از قدرت کنار رفت و لینن بقدرت رسید.

بهر صورت .. اولین دولت کمونستی دنیا نیز این احسان یهود هارافراموش نکرد ودر تقویت دولت صهیونستی اسرائیل و تضعیف دشمنانش از هیچ گونه کوششی دریغ ننمود.

اتحاد شوروی نخستین کشوری بودکه بعد از اعلان دولت اسرائیل آنرا برسمیت شناخت و موقف گیری های خائنانهء آن که ظاهراًبه نفع اعراب و در واقع به سود اسرائیل بود دولت صهیونستی را تقویت و دشمنان عربش را تضعیف نمود.

در جنگهایی که بین اعراب و اسرائیل بوقوع پیوست اعراب از اسلحه ء روسی و اسرائیل از اسلحهء امریکائی و غربی استفاده می کردند، در همهء این جنگ ها اسرائیل برنده بود و علت آن این بودکه شوروی به اعراب خیانت می کرد وبه ایشان به همان پیمانه کمك نظامی می نمود که در برابر اسرائیل یکبار ه نابود نشوند، نه بیشتر در حالیکه امریکا از مدرن ترین اسلحه وکمك های مالی هنگفت اسرائیل را بهره مند می ساخت و این خیانت شوروی قبلهء کمونستهای جهان بحدی اعراب را خسته ساخت که سادات رئیس جمهور سابق مصر تصمیم به اخراج شصت هزار نظامی شوروی از مصر گرفت در حالیکه سادات از یاران جمال عبد الناصر و او از ارادتمندان دربار ماسکو بود.

هجرت یهود ها از اتحاد شوروی وسائر دولت های کمونستی به اسرائیل نیز همیشه ادامه داشته و در هیچ مقطعی از حاکمیت کمونیزم متوقف نشده است وشاید خوانندهء عزیز بیاد داشته باشدکه بیشترین تعداد یهود ها در وقتیکه گربه چف برسر قدرت آمدو هنوز امپراطوری اتحاد شوروی معدوم نشده و قوای روسی در افغانستان بود ، از شوروی به اسرائیل هجرت کردند و در ست در همان سالها تعداد زیادی از یهود های حبشه که به فلاشا موسوم بودند در وقت حکومت مانگستوهیلی مریام از سر سخت ترین کمونستهای طرفدار ماسکو ، به اسرائیل فرستاده شدند.

همکاری متقابل اسرائیل با کمپ دیگر کمونیزم یعنی چین با وجود پنهانکاری دولت مردان چینی بار ها افشاء شده و پرده از چهرهء خائنانهٔ ایشان برداشته شده است.

با ازبین رفتن اتحاد شوروی گمان برده می شد که بساط کمونیزم در سراسر دنیا واز جمله درآسیای میانه برچیده خواهد شد ولی امریکاو جهان غرب و صهیونیزم بین المللی که دیگر ضرورتی به بقای امپراطوری شوروی احساس نمیکرد ند و از هم پاشیدن آنرا به نفع خود تصور می نمودند به کمونیزم هنوز هم ضرورت داشتند اما نه در روسیه و جمهوری های بالتیك و اروپای شرقی و مناطق مسیحی نشین بلکه در آسیای میانه و مناطق مسلمان نشین.

آری! آنها به کمونیزم ضرورت دارند تابا اسلام و رستا خیز اسلامی که آنها از حقدو کینه بنیاد گرایی اش می خوانند مقابله کند.

مخصوصاً اسرائیل که ازآغاز بمیان آمدنش تا کنون نه تنها روی استقرار و آرامش را ندیده بلکه با وجود سازش یاسر عرفات و سران عرب با اسرائیل وحل امریکائی قضیهء فلسطین، خطریکه دولت صهیونستی را تهدید می نماید بعوض کاهش روز تا روز افزایش می یابد و این خطر از ناحیهء جنبش های اسلامی وبه تعبیر غرب بنیاد گرائی اسلامی متوجهء اسرائیل است .

این خطر چون طوفانی است که متوقف نمیشود و سازش نمی پذیرد و روزی فرا می رسد که دولت صهیونستی را چون خس و خاری از مسیر خود می بردارد.

دولت مردان یهودچون رجال مذهبی نیز هستند این حقیقت را در کتب دینی وتاریخی خود مطالعه کرده اند وبه آن یقین دارند و علائم فرا رسیدن آنروز رادر سراسر دنیا ی اسلام مشاهده می نمایند .

صهیو نست ها می دانند که اسلام تجزیه پذیر نیست و جنبش های گوناگون اسلامی در سراسر جهان مانند دریا های خروشانی هستند که بالآخره باهم یکجا می شوند و بحر طوفان سازی را تشکیل می دهند و این بحر مواج وجود دولت صهیونیزم را از صفحهء هستی می شوید لذا برای اینکه از ظهور این طوفان تا مدت زمان درازی جلو گیری بعمل آرند و عمر خودرا طولانی تر سازند ، تصمیم جدی گرفته اند تا در همهء نقاط دنیا با رستا خیز اسلامی مبارزه نمایند و ازهمهء دشمنان اسلام درین جهت کمك بخواهند.

آسیای میانه از آنجهت بیشتر مورد توجهء اسرائیل است که در پهلوی افغانستان یعنی کشوریکه انقلاب اسلامی اش جهان را تکان دادو باعث بیداری همهء مسلمانان جهان گردید قرار دارد و از سوی دیگر در سراسر آسیای میانه جنبش اسلامی نسبتاً نیرومندی وجود دارد که حوادث تاجکستان و انگوش و چچن آئینه دارآنست.

در ازبکستان اگر چه دکتاتور کمونستی از بقایای بریژنف با مطلق العنانی کامل حکومت می کند و اندکترین حرکتی را باقساوت تمام از بین می برد اما این امر دلیل آن شده نمیتواند که در آنجا جنبش اسلامی ضعیف است بلکه آرامش کنونی درین کشور محکوم می تواند آرامش قبل از طوفان باشد و ما وقتی بیشتر به نیرومندی نهضت اسلامی در ازبکستان امید وار می شویم که، بیانیهء گربه چف آخرین رئیس جمهور اتحاد شوروی در ازبکستان را بیاد بیاوریم.

وی آنگه که هنوز اتحاد شوروی ازهم نپا شیده بود سفری به هند کرد ودر مسیر راهش به تاشکند توقف و بیانیه یی ایراد نمود و در آن از خطر قوت گرفتن بنیاد گرائی اسلامی در آسیای میانه بخصوص ازبکستان هشدار داد واز مسلمانان بنیاد گرا سخت انتقاد کرد.

صهیونستها بدین نظر اندکه استحکام و قوت گرفتن دولت اسلامی در افغانستان باعث آن می گردد که نهضت اسلامی آسیای میانه که همین حالا یك شاخهء آن در تاجکستان علیه کمونستها داخل پیکار است بیش ازپیش نیرومند شده و حکومت های کمونستی را سر نگون سازد و آنگه هیچ نیرویی نمیتواند جلو تشکیل بلاك اسلامی متشکل ازافغانستان و آسیای میانه را که دارای نیروی اتمی نیز هست بگیرد و این امرپشتوانهء نیرومند نظامی و سیاسی برای جنبش های اسلامی در شرق میانه فراهم ساخته ودر اندك ترین مدتی سبب سرنگونی دولت های غیر اسلامی وسازشکار این منطقه می شودو آن همان روز موعوداست که به شهادت نصوص اسلامی و کتب مذهبی

ص(۷)

مسلمانان در برابر چلنج های عصر حاضر

دنیای ما دنیای ساینس و تکنالوژی است درچنین دنیا نقش رهبری کننده از آن ملتهائی است که در میدان ساینس و تکنالوژی از دیگران جلوتر باشند و نظم نوین جهانی که از طرف امریکا اعلام شده است دلیل واضح بر نقش رهبری کننده‌ء قدرتی است که در میدان تکنالوژی بر دیگران برتری دارد بناء اگر مسلمانان نیز خواهان رسیدن به چنین مقام در جهان اند باید بسبقت خودرا درین میدان ثابت کنند طبعاً رقابت درین میدان مشکل و همت آزماست.

برای پیروزی شدن درین میدان باید دریك ملت یایك قوم احساس استقلال طلبی وجود داشته باشد، آسیب پذیری خودرا احساس کند وجرئت وهمت مقابله داشته باشد. اگر ملتی از چنین خصوصیات عاری باشد باید نابودی و زوال را پذیرا گردد.

داستان عروج و سقوط ملت ها برای نسل های بعدی عبرت آموز است، روزگاری آفتاب درقلمرو بریتانیای کبیر غروب نمیکرد اما مردم بریتانیای امروز در طول سال جزچند روز چهره‌ء آفتاب را نمی بینند اتحاد شوروی تاچند سال قبل قدرتی بود که هیبتش لرزه بر اندام غرب افگنده بود اما امروز آن کشور بزرگ به پارچه های کوچکی تقسیم گردیده است. تاریخ مملو از داستان بی پایان عروج و زوال ملت هاست .

باشکست و نابودی اتحاد شوروی نظر دنیای غرب به سوی جهان اسلام دوخته شده است .خطر جهان اسلام را امریکا دلیلی برای اضافه ساختن بودجه نظامی خود میداند ومردم خودرا از این رقیب آینده می ترساند.اما در دنیای اسلام احساس چنین خطری وجود ندارد.کشور های اسلامی به اشاره غرب حرکت می کنند و این حقیقت را به فراموشی سپرده اند که یهود،نصارا و هنود دشمنان آشتی ناپدیر آنان اند.

حضرت عمروبن عاص (رض) ۱٤۰۰ سال قبل به مسلمانان گفته بود: «شما باید همیشه این نکته را به خاطر داشته باشید که در سنگر جنگ قرار دارید و مجاهد هستید، نگاه دشمنان بر شما دوخته شده و دل های آنها از خیال شما خالی نیست »امروز نیز دنیای اسلام و مسلمانان با همان حالت مواجه اند.

ملت های زنده با شکست نظامی نابود نمی شوند.در سال ۱۹٤۵ موقعیکه جنگ دوم جهانی به پایان رسید جاپان از نظر نظامی بزانو در آمد.و از نظر اقتصادی نیز این کشور کاملاً ورشکسته شده بود اما همین ملت از میان خاکستر جنگ قامت برافراشت و فقط در مدت چهل سال بعد از انفجار بمب های اتمی امریکا در هیروشیما و ناکاساکی، بعنوان بزرگترین مرکز صنعتی جهان و بزرگترین قدرت اقتصادی قد علم کرد.آلمان نیز بعد از جنگ دوم جهانی یك کشور شکست خورده و ویران بود که به دوکشور تجزیه گردید اما آلمان غربی نیز چهل سال پس از شکست مبدل به یکی از کشور های بزرگ صنعتی و دارای اقتصاد ی نیرومند گردید.

در تقلید از جاپان کشور های کوچك در جنوب شرق آسیا چون سنگاپور، کوریا، تایوان و هانکانگ نیز امروز در قطار کشور های پیشرفته قرار گرفته اند . پیشرفت در ساینس و تکنالوژی همه‌ء این نا ممکنات را ممکن ساخته است در حالیکه از نظر منابع و ذخایر طبیعی این کشور هامحتاج کشور های دیگر بخصوص کشور های اسلامی اند.

در جهان امروز امریکا بزرگترین قدرت نظامی است که دنیا از این قدرت در هراس ووحشت است اما اگربه نظر دقیق به این قدرت نگاه کنیم در می یابیم که این قدرت نیزراه زوال می پیماید زیرا زوال ارزش های اخلاقی عواملی راکه برای پیشرفت و بقای یك جامعه لازم است در امریکا از میان برده است.

اگربه سوی دنیای اسلام نظر اندازیم می بینیم که از نظر جغرافیایی موقعیت کشور های اسلامی طوری است که مهمترین راه های تجارتی دنیا ازاین کشورها میگذردمسلمانان ۱/٦حصه نفوس جهان را تشکیل میدهند که اکثریت آنان در کشور های مستقل اسلامی حیات بسر می برند دنیای اسلام سرشار از منابع پر قیمت طبیعی است. نصف نفت خام دنیا از کشور های اسلامی استخراج میشود کشور های اسلامی صادر کننده‌ء تقریباً چهل فیصد مواد خام دنیااند اما با وجود این، عاید سرانه در دنیای اسلام در مقایسه با عاید سرانه در سراسر جهان فقط ٤/۵ فیصد را تشکیل میدهد کشور های غربی و خاور دور بر اقتصاد امروز جهان کاملاً مسلط اند.

مساحت جاپان حتی یك درصد از مساحت کره‌ء ارض نیز نیست و از تمام اراضی کشور فقط ۰/۱۷ فیصد قابل زرع است این کشور برای تامین نیاز های خویش بیش از سی درصد مواد غذائی و (٤۵) فیصد نفت از خارج وارد میکند اما با وجود کمی منابع، قدرت اقتصادی جاپان بحدی است که امریکا در برابرش ناتوان است این مقایسه خود نشان میدهد که دنیای اسلام در استفاده مثمر از منابع طبیعی خود هرگز کوشش نکرده است.

امروز دنیای اسلام از سرمنزل ترقی و پیشرفت فرسنگها فاصله دارد. بعضی ها عامل این عقب ماندگی را درپیروی مسلمانان از تعالیم اسلام دانسته و معتقد اند راز پیشرفت مغرب زمین در دوری آنان از دین بوده است بنابر این اگر دنیای اسلام نیز میخواهد به سر منزل ترقی و پیشرفت گام بگذارد باید ازپیروی مذهب دست بردارد. کسانیکه چنین عقیده ئی را ابراز میدارند یافهم شان از پیشرفت ناقص است ویااز تاریخ چیزی نمیدانند.

آنچه که مغرب زمین را دردوره سیاه قرون وسطی نگهداشته بود دین نبود بلکه یك سلسله خراقات ساخته و پرداخته‌ء اهل کلیسا بود که بنام دین به مردم تفهیم می شد و همین عقاید خرافی مانع بزرگ برسر راه پیشرفت و پیشرفت ساینس و تکنالوژی درکشور های مسیحی بود امادردین اسلام مسئله کاملاً فرق دارد اسلام پیروانش رابه غور و تفکر در نظم و ترتیب کاینات فرامی خواند وبه همین علت بودکه در قرون اولی مسلمانان نه تنها به پخش واشاعت دین خویش پرداخته بلکه در ساحه‌ء علوم وفنون نیز به پیشرفت های بزرگ نایل آمدند که تابه امروز برای اقوام دیگر عالم مشعل راه بوده است.

این پیشرفت هارا آنها با پیروی از قرآن حاصل کردند زیرا به آن ایمان داشتند آنانیکه معتقد اند دین مانع پیشرفت است باید به این واقعیت توجه کنند که اسلام نام یك تحریك عملی است ومراد از عمل تنها نماز، روزه، ذکات، وحج نیست بلکه خداوند میفرماید که به اسلام بصورت کامل داخل شوید و نمونه‌ء کامل آن نیزحیات طیبه حضرت پیامبرو دوره‌ء خلافت راشده است.

قرن بیستم در تاریخ از نظر پیشرفت ساینس مقام بلندی دارد درین قرن انسان به شکافتن هسته‌ء أتوم توفیق یافت و قدم به فضای خارجی وکره‌ء ماه نهاد ولی تمام این پیشرفتهای بزرگ و محیر العقول را غربی ها انجام دادند و از مسلمانان درین عرصه ها کار قابل ذکری بمنصه‌ء ظهور نرسید یك دلیل این عقب ماندگی این است که بعضی از علمای دین در جهان اسلام در جهت تشویق مسلمانان بسوی علوم ساینسی کوتاهی بخرج داده وحتی ساینس وتکنالوژی رابعنوان ترفند های شیطانی مورد انتقاد قرار داده و مسلمانان رااز آن برحذر داشته اند این درست بر عکس عقیده ئی است که مسلمانان در قرون اولیه‌ء ظهور دین مبین اسلام داشته اند.

بنا بر گزارش سازمان (یونسکو) کشوری میتواند قدم در مسیر پیشرفت و ترقی بگذارد که دارای تعداد زیادی ساینسدان ومغز های تخنیکی و تحقیقی باشد. تناسب ساینسدانان با نفوس یك کشور یکی از معیار های ترقی شمرده میشود مثلاً در جاپان وسنگاپور تناسب ساینسدانان با نفوس یکهزارو پنجصد فی ملیون است یعنی در هر یك ملیون نفوس (۱۵۰۰) نفر آن ساینسدان است این تناسب در کشور های پیشرفته تر چون امریکا به(۲٦۰۰) فی ملیون میرسد روسیه دوصد هزار انجنیر دارد و این تعداد در امریکا به هفتصد هزار نفر می رسد اما در دنیای اسلام این تناسب یکصد نفر در فی ملیون است یعنی از یك میلون مسلمان فقط یکصد نفر آن ساینسدان است اما این نکته رابايد در نظر داشت که همین اکنون در امریکا تقریباً (۳۰) هزار ساینسدان مسلمان وجود دارد بعباره‌ء دیگر جهان غرب برای پیشرفت خود از مغز های مسلمان نیز بهره می برد اما در سراسر جهان اسلام تعداد ساینسدانان که به کارتحقیق مصروف اندبه(۵۰) هزار نفر می رسد این خود تصویر بسیاردردناك از وضع مسلمانان در جهت پیشرفت و ترقی است.

بدون تردید پیشرفت ساینس و تکنالوژی نیازمند سرمایه است و دولت ها برای تحقیق در رشته های ساینسی همه ساله مبالغ هنگفتی رااختصاص میدهند و مردم نیز درین جهت حاضربه دادن قربانی اند زیرا میدانند که پولی را که بخاطراین هدف به دولت می پردازند واقعاً در جهت پیشرفت کشور به مصرف می رسد. کمپنی های شخصی در کشورهای پیشرفته نیز غرض تحقیق در رشته های ساینس و تکنالوژی همه ساله میلونها دالر به مصرف می رسانند درجاپان (۸۰) فیصد از بودجه تحقیق در رشته های ساینس و تکنالوژی را کمپنی های شخصی می پردازند در امریکا سالانه (۱۵۰) ملیون دالرصرف تحقیق در همین رشته ها میشود.

جاپان از بودجه‌ء سالانه خود تقریباً سه فیصد انگلستان (۲/۵) فیصد، اسرائیل دو فیصد و هندوستان یك فیصد را صرف تحقیقات علمی می نماید اما در دنیای اسلام شاید هیچ کشوری رانتوان یافت که درآن حتی یك فیصد ازبودجه نیز صرف تحقیقات علمی گردد در دنیا هرسال بیش از یکصدهزار کتب ساینسی و تقریباً دو ملیون مقالات در رشته های مختلف علوم ساینسی به نشر می رسد در حالیکه سهم دنیای اسلام درین نوع نشرات علمی فقط (۱۲۰۰) مقاله و کتاب است.

در نتیجه این حالت اسفبار است که میبینم جهان اسلام درگیر فقر و بدبختی است. مسلمانان امروز به کشورهای پیشرفته بیش از(۳۸۵) ملیارد دالر مقروض اند وبیش از نصف نفوس در جهان اسلام با فقر دست بگریبان است.

موسسات تعلیمی و پوهنتون ها در پیشرفت ساینس و تکنالوژی ودر بیدار نمودن و انکشاف دادن ذهن و شعور انسانی دارای نقش نهایت مهم واساسی اند، افراد تحصیل کرده مهمترین سرمایه‌ء یك کشور به شمار میآیند. گاهی نتیجه و حاصل کاوشها وتحقیقات واختراعات آنان مسیر تاریخ و تقدیر ملت ها راتغییر میدهد امروز در دنیای اسلام مجموعاً(۳۵۰)پوهنتون وجود دارد بیشترین تعداد پوهنتون ها در کشور های اسلامی در اندونیزیا است که تعداد آن به (۱۲٦)می رسد که (۲٦)فیصداز محصلین آن در رشته های ساینسی مشغول تحصیل اند درین کشور (۱٤۰) هزار ساینسدان و انجنیر وجود دارد که ازاین تعداد ده هزارنفردررشته های تحقیقی مصروف کار اند در پاکستان (۲۲) پوهنتون وجودداشته ودراین کشور تقریباً(۲۵۰) هزارساینسدان وجود دارد ازاین جمله فقط پنج هزار نفر در رشته های تحقیقی مصروف فعالیت اند درمصر چهارده پوهنتون وجود دارد که (۳۷) فیصد ازمحصلین این پوهنتون هارا محصلین ساینس تشکیل میدهد.

اکنون کشور های اسلامی را با تایوان مقایسه می کنیم این کشور (۱٤) هزار میل مربع مساحت و (۲۰) ملیون نفوس دارد درین کشور (٤۲) پوهنتون و(۷۵) پولی تخنیك وجود دارد که همه ساله ازآن دو صد وپنجاه هزارتکنیشن و(۳۷) هزار انجنیر فارغ التحصیل میشود عایدسرانه فی نفر درین کشوردرسال (۱۹۸٦) سه هزار دالر بودکه این عاید در سال (۱۹۹۰) به هفت هزاردالرارتقا یافت درحالیکه عاید سرانه فی نفر در پاکستان (۳۵۰) دالر است.

این جنبه از زندگی مسلمانان واقعاً قابل تأسف است و مسلمانان به آن توجه لازم را هرگز مبذول ننموده اند درحالیکه فرمان پیامبر اسلام (ص) است که (آموختن علم به هرمرد و زن مسلمان فرض است)بعضی ازعلمای کرام استدلال میکنند که فرموده‌ء پیامبر(ص)درمورد علم ، فقط علوم دینی را شامل میشود. اگرچنین بوده باشد پس با این فرمان خداوند(ج)چه کنیم که میفرماید(و اعدوالهم مااستطعتم من قوة)امروز رمز قوت دشمنان اسلام درپیشرفت ساینس و تکنالوژی نهفته است و اگر مسلمانان ازعین حربه استفاده نکنند در برابر یهود و نصارا چاره ئی جز خم کردن سرذلت و تسلیم ندارند.

این سخن به این معنی نیست که مسلمانان به علوم دینی توجه کمترمبذول دارند بلکه برعکس بهتر است انجنیر ما درعین حال که دررشته ساینس مصروف تحقیق است ازعلوم دینی نیزبهره کافی داشته باشد. داکتر ما در عین حال که دررشته‌ء خود مصروف کاراست عالم دین نیز باشد و این در صورتی ممکن است که درنصاب تعلیمی ازمکاتب ابتدائی گرفته تا پوهنتون ها و موسسات آموزشی عالی علوم دینی نیزبصورت منظم گنجانیده شود زیرا یك انجنیر مسلمان است که میتواند بدرد جهان اسلام بخورد وازثمره‌ء تحقیق وی مسلمانان بهره گیرند.

ددعوت اوجهاد دپوهنتون څخه...

کولای خپل اسلامی رسالت او دینی وجیبه په ښه توګه اداء کړی خو مونږ افسوس کوو همدغه خلك چی پو هاند سیاف پسی دغه بی ځایه نسبتونه کوی او د اتهام اوتومت ګوته ورته نیسی دخپل انقلابی مشر!! هغه موقف او دریځ هیروی چی پروسږکال ئی ددولت لخوا دموقتو اساسی اصولو د جوړولو په وخت کی خپل کړی وو.

کله چی دکمیسیون دمشر پوهاند سیاف دوړاندیزاو فشار په وجه په دریمه ماده کی ولیکل شوچی دقرآن اوسنت وروسته به زمونږدتشریع اساسی مرجع حنفی مذهب وی نومجردی چی دشپی په خبرونوکی دتلویزیون له لاری اعلان وشونودحزب وحدت جګړه ماړو دنیم ساعت په دوران کی پغمان په ۳۰۰ را کټونو باندی وویشتل خو انقلابی مشر !! دخپل تنظیم داساسنامی اومرامنامی پرخلاف اعلان وکړچی باید داهل تشیع غوښتنی په نظرکی ونیول شی اوپدغی مادی باندی باید تجدید نظر وشی نو ددی ما ناداشوه چی دمذهب یا دول ضروری ندی اونه هم ورته جدی اړتیا محسوسیږی؟!

بناء اوس باید محترم علماء کرام پریکړه وکړی چی وهابی څوك دی و اوحنفی مذهبی څوك؟

هغه څوك به وهابی او بی مذهب وی چی دحنفی فقری په خاطر په دری سوه را کټونو ویشتل کیږی کلی ا. و کورنی ورانیږی مجاهدین ئی وژل کیږی اوکه هغه څوك چی دیوی متعصبی ډلی دخوشحالی په خاطر دخپل مذهب دقانونی مادی څخه سترګی پټوی اووائی چی پدغه ماده دی تجدید وشی !؟

له بلې پلوه همدغی ډلی دپوهنتون دوروستیو اداری او کدری تغییراتو په ارتباط دی اوازوته په عمدی او قصدی ډول زوروړکړی چی ګوندی ددعوت اوجهاد دپوهنتون اعلی رئیس محترم پوهاند سیاف غواړی دمسلکی اولوړو ښوونو دوزارت له لاری ټول هغه استاذان اواداری پرسونل چی ددغی ډلی عضویت لری خلع صلاحیت اوله صحنی لری کړی چی متأسفانه داهم یوه بی ځایه او غرضی پرو پاګنډه ده چی په شعوری اوآګاهانه ډول په کار آچول شوی ده ځکه مونږداتحاد اسلامی ډیر مجرب اوبا استعداده خلك پیژنو چی په خپلو کورونوکی بی وظیفی اوبی معاشه ناست دی خو د ویجاړ افغانستان دراتلونکی قیادتونو ذروزنی او پالنی په نسبت داتحاد اسلامی موټری اوموټر وانان هر سهار له ناصرباغ او شمشتو څخه نیولی تر فقیرآباد اوافغان کالونی پوری دهمدغی ډلی مربوط استاذانو په انتظار ولاړوی او هرېوبی له پنځه او شپږو زروکلدارو څخه کم معاش هم نه اخلی، نوزه په پای کی دتولو محترموم محصلینو څخه احترامانه هیله کوم چی ددرس او تعلیم قیمتی وخت او دخپل ژوند دغه با ارزښته شپی ورځی په تنظیمی شخړو بی ځایه نزا کتونو او منطقوی مسائلو او تعصباتو باندی ضایع نکړی.

شورا، تنها راه حل مشکل افغانستان!

حرکتی که بیش از شش ماه قبل بمنظور براندازی دولت اسلامی افغانستان وبرکناری استاد ربانی رئیس جمهوردولت اسلامی ازطرف ملیشه های دوستم و متحدین شان آغازشده بود با فتح بالاحصارو تپه‌ءمرنجان به شکست قاطع مواجه شد استقرارنیروهای دولتی درین دو موضع مهم نشان داد که شورای هماهنگی جزیك طبل میان تهی چیز دیگری نبوده است.

تاقبل ازفتح این دوسنگر،ازآنجا که قسمت های مختلف شهرکابل تحت آتش توپ وراکت ملیشه هاقرار داشت آنها مدعی موجودیت قوی نظامی درپایتخت کشوربوده و بیشتربه همین استناد خود را مستحق آن میدانستندکه بعنوان یك قوت سیاسی نیز برسمیت شناخته شوند ، دست های مداخله گرخارجی نیز بخاطر حضور نظامی ملیشه ها درکابل و دراختیار داشتن این دو سنگر به آنها بدیدهء یك قوت می نگریستند اما با سقوط این دوپایگاه مستحکم و فتح آن بدست نیروهای دولتی آرایش نیروها بصورت قاطع به نفع دولت وبه ضررائتلاف هماهنگی تغیر کرد.

این پیروزی ها به معنی آن نیست که دولت راه جنگ را برگزیده و راه صلح مسدود است رئیس جمهور ربانی اعلام داشت که علی الرغم این پیروزی ، قوای دولتی ما به راه حل نظامی اعتقاد نداریم ویا مخالفین حاضر به مذاکره هستیم حتی اگراین مذاکره به کناره گیری خود من از ریاست جمهوری وبوجودآمدن یك دولت جدید منجر گردد. اما بازهم یك سوال عمده همچنان باقیست: چه کسانی و ازچه راهی میتوانند مشکل افغانستان را حل کنند.

شکست تلاش های خارجی برای حل معضلهء افغانستان نشان داده است که کلید حل این مسئله دردست نیروهای داخلی است وتا آنگاه که این نیروها بین خود به تفاهم دست نیابند جنگ درافغانستان ادامه خواهد یافت امید واری به اینکه سازمان ملل متحد بتواند با پا درمیانی خود این مشکل را حل کند بسیار ضعیف است زیرا سازمان ملل میخواهد مشکل افغانستان رامطابق به خواست امریکا حل نماید و طرفداراستقراریك حکومت بیطرف درکابل است سازمان کنفرانس کشور های اسلامی فقط میتواند به تو صیه و نصیحت اکتفا نماید زیرا قدرت اجرائی بیش از این دراختیار ندارد تلاش کشورهای همسایه هم بخاطر مداخلات شان ازطرف جهت های درگیرجنگ درافغانستان به نظر شك وتردید نگریسته میشود.

بعضیٌ ها به این باوراند که شورای قیادی میتواند این مشکل را حل کند اما موضع گیری های متضاد و حتی فرصت طلبانه ، بعضی ازاعضای محترم شورای قیادی نیز اهمیت این شورا واحتمال آنرا که این شورا بتواند درحل معضله نقش مثبتی را ایفا نماید بزیر سوال می برد.

بعد از سرنگونی نجیب ومستقر شدن حکومت مجاهدین درکابل وقتی کاروان های این رهبران پاکستان را بسوی افغانستان ترك می کردند ملت امید واربود که موجودیت این رهبران بتواند موجب ثبات و استقرار درکشورو پشتوانهء تفاهم وصلح دوامدار درکشور باشد ولی متأسفانه درطول بیش ازدوسال گذشته این رهبران نتوانستند به این آرزوی ملت جامهء عمل بپوشانند وهرگاه که درکابل مشکلی ایجاد میشد آنها بسرعت سرحد راعبورنموده به پشاورمی آمدند و ازاینجا به اظهار نظرو تبصره و دادن طرح ونظر می پرداختند درشورای حل و عقد شرکت می نمودند به استاد ربانی بخاطر انتخابش به ریاست جمهوری تبریك می گفتند ولی وقتی پای مبارك شان به پاکستان می رسید بر علیه شورای حل و عقد سخن می گفتند. جهاد علیه ملیشه ها را به بیان تائید میکردند. ولی با شورای هماهنگی هم سر موافق می جنبانیدند، ازجنگ و خونریزی اظهار بیزاری میکردند ولی ازمحکوم کردن طرف تخلف کارخود داری می ورزیدند. هرکدام از این بزرگواران درافغانستان بدنیا آمده اند ولی هوای افغانستان به مزاج مبارك شان سازگار نیست آنها می خواهند آتشی را که درکابل زبانه می کشد از پشاورخاموش کنند و بالآخره هم درآخرین تحلیل می فرمایند که کلید حل این مشکل اینست که من باید درراس قدرت قرارگیرم وهمه بمن بیعت کنند جزاین راهی برای حل مشکل افغانستان وجود ندارد!!

ملت مسلمان افغان دیگرازاین راه حل های غیرواقعبینانه بیزار است. ملت میداند که درپیش گرفتن هر یك از این راه هابه معنی آزموده را آزمودن است و برای حل این مشکل فقط یك راه وجود دارد وآن سپردن قدرت به نمایندگان ملت است .درشرایط فعلی که عدم امنیت لازم درکشوروسلاح سالاری امکان انتخابات آزاد و مستقیم و مراجعه به آرای مردم ازاین طریق را نمیدهد. باید شورای متشکل از علمای دین رهبران جهاد و روشنفکران ، قوماندانان جهادی و شخصیت های خوش نام قوم گرد هم آیند ودربارهء مشکلات کشوربا هم به توافق برسند وقدرت به یك دولت مورد توافق همه منتقل گردد.

راه حل عملی مسئلهء افغانستان همین است وهرکس به فکر راه حلی جزازاین راه باشد باید بداند که راه دیگر راه دوام جنگ و تباهی ودر نهایت ازمیان رفتن وحدت ملی کشورخواهد بود.

اسرائیل آسیای میانه و بنیادگرائی ...

درجهت فراهم کردن اطلاعاتی برای جلوگیری از فعالیت های مؤثرمجاهدین از تاجکستان میتواند برای اسلام کریموف قابل توجه باشد چنین خدمات را جاسوسان موساد درکشمیرتحت اشغال هند برای نیروهای هندی انجام داده اند. درچند ماه اخیر تعدادی ازمامورین بالارتبهء نظامی تاجك و روسی در داخل مناطق تحت کنترول کمونیستها هدف حملهء مجاهدین مسلمان قرارگرفته و بقتل رسیدند که این مسئله موجب تشویش خاطر کمونیست هاست، در گذشته سازمان جاسوسی روسیه (کی جی بی) وظیفهءتامین امنیت را بعهده داشت ولی اکنون که با فروپاشی اتحاد شوروی کی جی بی نیز از فعالیت لازم باز مانده است .موساد میتواند برای جلوگیری ازنفوذ بنیاد گرائی اسلامی به کمونیست های آسیای میانه کمك کند و جلو چنین حملات را بگیرد.

با توجه به چنین مسایل میتوان دریافت که چرا دست های مداخله گرخارجی خواهان بر قراری صلح وامنیت در افغانستان نبوده بر عکس به آتش نفاق و جنگ دامن میزنند زیرا اگر در افغانستان صلح برقرار میگردیدو افغان ها از ثمرهءجهاد چهارده سالهءخود درسایهء یك حکومت نیرومند اسلامی بهره مند می شدند، بقای کمونیست ها درآسیای میانه ممکن نبود واین منطقهء حساس از جهان از موج تغییرات بنیادی به نفع مسلمانان سراسر جهان برکنار نمی ماند به همین علت دسیسهء بقای کمونیست ها برمسند قدرت درآسیای میانه را همین قوت های دشمن اسلام درافغانستان براه انداخته اند و برای محافظت ازسرحدات جنوب روسیه با افغانستان به ملیشه های بازمانده از رژیم سابق کمك می کنند.

مجاهدین باید بدانند که کفار چه خارجی باشند چه داخلی هرگز دوست آنها نخواهند شد و راه بیرون آمدن از این منجلاب بدبختی فقط دربوجود آمدن روحیهءگذشت و تفاهم و اعتماد باهمی ممکن و متصور است اگر چنین نشود ما بزودی شاهد فعالیت های اسرائیلی ها در سرحدات شمالی خود خواهیم بود.

ریشه های اسرائیل در آسیای...

یهود آخرین معرکه بین مسلمانان و یهود ها بوقوع می پیوندد و ریشهء یهود از فلسطین برچیده می شود.

اقدامات اسرائیل درجهت همکاری با کمونستهای آسیای میانه بویژه اسلام کریموف بمنظور مبارزه با رستاخیز اسلامی در منطقه از سفر شمعون پریز به ازبکستان آغاز نمیگردد بلکه از زمانی شروع می شود که اتحاد شوروی از بین رفت و بدنبال آن بعداز مدتی حکومت دست نشاندهء ماسکو در کابل در معرض نابودی کامل قرار گرفت.

صهیونستها که در امریکا و اروپا و سازمان ملل حضور و نفوذ نیرومندی دارند در تلاش آن شدند که برای جلوگیری از نفوذ مجاهدین افغانستان در آسیای میانه یك کمربند امنیتی در شمال افغانستان بمیان بیاورند وبرای این کار مناسب ترین شخص دوستم رهبر ملیشه های باقیمانده از رژیم نجیب را یافتند.

انتخاب دوستم به علت وجوه مشترك عقیدتی و نژادی و زبانی که با اسلام کریموف دارد زمینهء بهتری را برای همکاری کمونستهای افغانستان تحت نام جنبش ملی اسلامی و کمونستهای آسیای میانه که اسلام کریموف از قدرتمند ترین آنها بشمار می آید در جهت مبارزه با اسلام درافغانستان و آسیای میانه فراهم می کند.

دوستم بار ها امریکا و جهان غرب راز خطر بنیاد گرایی برحذر داشته است و همگان بیاد دارند که سال گذشته وی بحضور رابن رافیل معاون وزیر خارجهء امریکا این هشدار خودراتکرار نمود و اسلام کریموف نیز بکرات گفته است که با بنیاد گرایی اسلامی در آسیای میانه ودر افغانستان مبارزه خواهد کرد و اینك اضلاع این مثلث شوم وقتی بصورت واضح در برابر دیدگان ماقرارمی گیرد که همزمان با کودتاها و جنگهای خونین دوستم علیه مجاهدین و ملت مسلمان افغانستان و مداخله های پیاپی و علنی ازبکستان در افغانستان و تاجکستان شمعون پیریز با صراحت کامل و بالحنی خشن و شیطانی از مبارزه علیه بنیاد گرایی اسلامی و همکاری اسرائیل و ازبکستان درین زمینه حرف می زند.

پر واضح است که وجود دوستم و فتنه انگیزی هایش در شمال افغانستان بخش مهمی از این همکاری و جزء عمدهء این توطئه صهیونستی است ولی آنگونه که زوال کمونیزم و اتحاد شوروی بزرگ(!) حتمی بودو جهانیان آنرا بچشم سر دیدند زوال بقایای کوچك و حقیر آن از قبیل دوستم وکریموف نیز حتمی است و مرگ و نابودی صهیونیزم ازآنهم حتمی ترست.

اظهار برائت از...

ترتیب اعتراف نمود که اذیت و آزار مردم و دزدی و راهزنی پیشهء همیشگی تفنگداران اوست!

موضوع نهایت مهم دیگر،اظهار برائت او ازکسانی است که موجب آزار و اذیت مردم می شوند در این جاست که مردم حق دارند بپرسند:

این همه قتل ویرانگری ،تباهی و غارتگری آقای حکمتیار و دوست صمیمی اش دوستم ،چیزی کمتر از آزار و اذیت مردم است؟!

و این سومین سال جنگ، آشوب،خونریزی ،و تباهی و ویرانی که جناب حکمتیار آغاز گر و ادامه دهنده،آن می باشدو این همه خون ها ی بناحق ریختانده شده و ویرانی پایتخت کشور ،شامل آزارو اذیت نمی باشد؟؟!!او اگر هست پس به یقین میتوان گفت که آقای حکمتیاراز خویشتن خویش اظهار برائت کرده است !!

هم آهنگی ائتلاف او دملت...

مسأله او دهغه دبر خلیك موضوع رامنځ ته کیږی قیادی شورا عنوانوی اوهغه دحل لاره بولی ، خو کله چی دقیادی شورا په لیکه کی دکمونستانو دراتگ موضوع رامنځ ته کیږی سره له دی چی اسلامی تنظیمونه یی جدا ً ددوی حزب اسلامی په کلکه دفاع تری کوی اوچی کله داسلامی لویه شورا موضوع وړاندی کیږی ، دانتخاباتو بهانی وړاندی کوی لنډه یی دا چی حزب اسلامی په ټولو حالانو کی ددی په ځای چی داسلامی متعهد و تنظیمونه لوری ونیسی دهیواد دبرخلیك په باب له هغوی سره صلاح مشوری وکړی اوپه افغانستان کی دیو مطمئن حکومت دمنځ ته راتگ مسأله له هغوی سره مطرح اوحل کړی - دغرب ځپلو اوکمونستو ملیشو او دهغوی دبا دارانو لوری نیسی او بل یی لا داچی تل ټینگار کوی چی زه په دی توگه په افغانستان کی دملیتونو دحقوقو دحاصلولو په حق کی یم اونه غواړم چی افغانستان تجزیه شی!!!

افغان ملت دحزب اسلامی له قیادت او با صلاحیته شورای نه پوښتنه کوی چی:

الف- آیا له هغو کسانو سره یو ځای کیدل او دهغوی دحقوقو مطالبه چی هماغوی په افغانستان کی دومره ستونځی پیدا کړی او دجنگ اصلی جړی دی - دمسألی حل کیدلای شی ؟

ب- دملیتونو دحقوقو مساله هغه وخت حل کیږی چی په افغانستان کی اسلامی نظام پلی شی، که چیری دغریبانو التقاطیونو او کمونستانو غوښتنی په افغان حکومت کی پلی شی ،ددی تصور کولای شی چی هلته به اسلامی نظام راشی؟

ج- آیا دافغانستان تجزیی دمخنیوی لپاره له تجزیه غوښتونکو سره متحد کیدل منطقی لاره ده اوکه دتجزیه غوښتونکو ضد اسلامی ډلو او احزابو سره ؟

در حاشیهء...

او هغه دا چی له اسلامی هیوادونه نماینده گی کوی اوبل داسلامی ،تولنو په مزاج پو هیږی او په بین المللی مسایلو کی دملگرو ملتو سازمان د نماینده په شان داستعمارگرو په گټه بنکیل نه دی نو بنایی چی دی دافغانستان دمجاهدملت له غوښتنو سره سم له مجاهد و مشرانو سره دافغانستان دقضیی په حل کی فعاله ونډه واخلی او نړیوالوته په گوته کړی چی هلته دستونځواصلی عامل کمونستان دی او په دی جهت کی ټینگار وکړی چی نورنوپه افغانستان کی د کمونستانو او غیر اسلامی حکومتونو دوره پای ته رسیدلی .هم آهنگی ائتلاف اوپه سرکی یی حزب اسلامی هسی په دی برخی کی ټینگار کوی چی کمونستانو او کمونستو ملیشو او غیر اسلامی ډلگیو ته په حکومت جوړولوکی برخه ورکړی شی ځکه چی ملت اسلام غواړی او داسلامی حکومت پلویان دی ترهغه چی غیر اسلامی ډلی او غوښتنی پری نښودلای شی داجنگ به دوام لری ..

همدارنگه دښاغلی حامد الغابد ماموریت محور دمطرحو جهتونو سره په خبرو اتروکی وی نه له هغو جهاتو سره چی په عملی لحاظ دافغانستان په جهاد او قضیه کی هیڅ نقش نه لری ،کیدلای شی دده ځنی دنورو خیرغوښتونکیو ځنځ سره یو ځای زموږ دړنځېدلی ملت دکلونو ارمان په پوره کولوکی ټاکونکی نقش ولوبوی .

بقیه سرمقاله

ادارات دولتی نه تنها نتیجه نداد بلکه بر عکس متوجه شدند که در اثر مساعی و مجاهدتهای بعضی از مجاهدان و رهبران سازش نا پذیر جهادی در معرض تصفیه و نابودی قرار می گیرندو اگر دیر بجنبند گلم کمونیزم از افغانستان بکلی برچیده می شود ، لذا به فکر کودتا افتادند و بعجله باحکمتیار که برای رسیدن بقدرت حاضر بود دست به دست هر دشمن دین ووطن بدهد درتماس شدند و کمونستهای فراری را نیز از ماسکو ودهلی فرا خواندندو بدینگونه کودتای خونین یازدهء جدی براه افتاد.

کمونستها به جناح نظامی خود تحت قوماندهء جنرال دوستم سخت مغرور بودندومی پنداشتند که نیروی تحت فرماندهی اونه تنها می تواند ایشان رااز قهر و محاکهء ملت نجات بخشد بلکه توان از بین بردن دولت اسلامی و بازگردانیدن کمونیزم براریکهٔ قدرت را نیز دارد و از همین سبب جنرال دوستم/ملیشهء نیروی نظامی کمونستها همیشه از قدرتمندی خود لاف می زد و می خواست با تهدید های مختلف ازجمله تهدید به تجزیهءافغانستان در قدرت سهیم شود و این غرورکمونستها علاوه بر قدرت نظامی قابل ملاحظه یی که در دست داشتند از منبع دیگری نیز آب می خورد و آن عبارت بود از پشتیبانی خارجی ها بخصوص امریکا و کمونست های آسیای میانه و باز بخصوص اسلام کریموف دکتاتور کمونست ازبکستان ازایشان.

کمونست ها مانند همیشه قوت ایمان ملت مارا نادیده گرفته بودند واحمقانه تصور می کردند ملتی که اتحاد شوروی بزرگ(!) وپکت وارسا با همه سازو برگ نظامی کشنده اش درمدت چهارده سال جنگ خونین حاکمیت کمونیزم در کشورنتوانست، شکستش بدهد ، ازچند ملیشه ، ملحد و بی ایمان وخود فروخته شکست می خورد!!

این حکمت خداوندی بودکه قوت ملیشه هادرمعرض آزمایش قرارگیرد و مسلمانان ساده لوحی که ازهیا هوی تبلیغاتی دشمنان غربی و شرقی اسلام به نفع ملیشه ها، هراسان شده وبه تشویش افتاده بودند، ازخوف و هراس رهایی یابند وبه لطف و تأیید پروردگارزمینهء تصفیهء مکمل کشورراز بقایای کمونیزم میسر آید.

نبرد های خونین که در چندماه اخیربخصوص بعد ازکودتای ننگین یازدهء جدی بوقوع پیوست همه به شکست ملیشه هاو یاران ائتلافی شان منجر شده ودر سراسر کشورمناطق و سیعی ازچنگ این جنایتکاران خارج شده است.

پاکسازی کابل ازوجود ملیشه ها با تسخیرآخرین ومستحکمترین سنگر های شان در بالاحصار وتپهء مرنجان کشنده ترین ضربهء ایمانی برپیکر این جرثومه های کفر و الحاد بود که هوش و حواسشان را مختل ساخت و به جنون مرگبار دچار شان نمود.

کمکهای نظامی و مالی بیدریغ ازبکستان به دوستم که شامل طیاره های جنگی پیشرفته نیزمی شود و مداخلهء مستقیم قوای هوائی آنکشور با بمبارد سنگر های مجاهدین و مناطق مسکونی نتوانست روحیهء ملیشه هارا بالا ببرد ویا در ساحهء نظامی موفقیتی نصیب ایشان سازد بلکه برعکس درهر جنگی که ایشان با کمك مستقیم ازبکستان آغاز کردند ، شکست و رسوائی نصیب شان گردید ، بطور مثال چندی قبل ملیشه ها به کمك ازبکستان بالای ولایت کندزحمله آوردند و دراثر خیانت قوماندانان حزب که عضویت شورای جهادی کندز را دارا بودند ، کندز را تصرف نمودند و برای چند روزدر شهر کندز به قتل و غارت وچوروچپاول مشغول شدند اما نیروهای جهادی به سرعت خود را منظم ساخته و با حملهء قهرمانانه یی ملیشه های جنایتکارویاران خائن شان رااز کندز بیرون راندند و ازآن تاریخ به بعدملیشه ها به کمك ازبکستان و یاران ائتلافی حزبی شان تمام توان و نیروی خود را برای استرداد کندز بکار بردند ولی هر بار جز ذلت و ناکامی بهره یی نگرفتندو... تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل .

همزمان با پیروزی بزرگ مجاهدین در کابل ،نیروهای جهادی در شمال نیز بر مواضع ملیشه ها حمله بردند و با فتح بعضی از سنگرهای ایشان به جهاد خود علیه بقایای کمونیزم ادامه دادند وقرارتازه ترین راپور ها مجاهدین توانسته اند باتصفیهء پوسته های دوستم در اطراف میدان هوایی مزار قسمتی ازآن را تحت کنترول خودرآورند ونبرد برای فتح کامل میدان ادامه دارد وانشاءالله آینده آبستن فتوحات بیشتری برای سپاهیان اسلام و شکست های کشنده تری برای ملیشه های ملحد و بی ایمان خواهد بود.

ملیشه کمونستها آنگونه که در میدانهای نظامی به شکست های پیاپی و نابود کننده مواجه شده اند ،در ساحهء سیاسی نیز جز شکست و انزوا و نفرت حاصلی از تلاشهای شیطانی خود بدست نیاورده اند ،در تمام تلاشهای صلح چه از طرف مصلحان خارجی وچه داخلی،جنبش کمونستهانادیده گرفته شده وتلاشهای مذبوحانهء حکمتیار نتوانسته است علماو مجاهدانی را که در تلاشهای متعدد صلح پیشقدم بوده اند به سهیم ساختن دوستم و یا نماینده هایش درمذاکرات صلح قانع سازد. نفرت و انزجار ملت از ملیشه های وحشی و غارتگر بالاگرفته که قیام مردم کندز و جنگیدن شان در پهلوی مجاهدین علیه ملیشه هاو باز گشت مهاجرین در مناطقی که اخیراًفتح گردید،بهترین شاهد این حقیقت است .

مجموعهءاین عوامل نظامی و سیاسی دست به دست هم داده بقایای کمونیزم را که تحت پرچم جنبش به اصطلاح ملی اسلامی گردآمده اند،به خطرجدی مرگ و نابودی مواجه ساخته است و انشاءالله آنروز دور نیست که ملت فاتح و قهرمان ما این آخرین ریشه های کمونیزم را نیز از خاك مرد خیز خود بر چینند و با قامتی استوار و در سایهء حکومت عدل الهی آزاد و سر بلند و آرام زندگی کنند و مسیر پیشرفت و ترقی را بپیمایند.

در حاشیه خبر ها

تلاشهای مایوسانه!

گزارشهای واصله از شهر هرات حاکیست که طیارات بمب افگن ملیشه های دوستم روز دوشنبه به یك هدف غیر نظامی در داخل شهر هرات حمله بردند. درین حمله که بصورت ناگهانی انجام گرفت دو طیاره دوستم شرکت داشت و این طیارات بمب های خود را در نزدیکی هوتل پارك فرو ریختند و در نتیجه این حمله وحشیانه ده نفر از افراد یك فامیل به شهادت رسیدند.

حمله به مناطق مسکونی داخل شهر هرات بوسیله طیارات ملیشه های جنایتکار تازگی ندارد اما در شرایط فعلی و بدنبال شکست های پیهم ملیشه ها در کابل، این حمله را میتوان نوعی حمله انتقامی تلقی کرد البته دراین حمله انتقام از شورای هرات که به دعوت ستر جنرال اسماعیل خان فرا خوانده شده است نیز منظور نظر بوده است زیرا در آن کمونیست ها و ملیشه ها جائی ندارند و فقط شب قبل از این حمله یکی از اعضای مهم شورا و والی غزنی قاری بابا در مصاحبه با بی بی سی و در جواب این سوال که آیا در گردهمائی هرات از دوستم دعوت بعمل آمده است یا نه؟ گفته بود: دوستم یك وطنفروش است و در این شورا برای چنین عناصر جائی وجود ندارد.

در هرات مناطق نظامی هم وجود دارد ولی ملیشه ها جرئت حمله هوائی به این مراکز را ندارند زیرا میدانند که از این مراکز بصورت موثر در برابر حملات هوائی دفاع میشود و آنها با حملات دزدانه و گاه ناگاه فقط مناطق مسکونی را هدف بمباران قرار میدهند و موجب کشته و مجروح شدن مردم بیدفاع غیر نظامی و ویران نمودن خانه های آنان میگردند ولی حمله روز دوشنبه و حملات همانند آن میتواند نوعی نمایش قدرت و بخشیدن روحیه به نیرو های شکست خورده آنان باشد دوستم می خواهد با چنین اقدامات بز دلانه وانمود سازد که حتی در هرات نیز امنیت و صلح وجود ندارد و او توان ناامن ساختن آنجا را نیز داراست.

در شرایط فعلی که عدهٔ زیادی از نمایندگان ولایات در شهر باستانی هرات بمنظور شرکت در یك شورای بزرگ گردهم آمده اند بمباران در نزدیکی هوتل پارك نشان میدهد که شاید هدف اصلی بمباران ساختمان هوتل بوده باشد وملیشه ها میخواستند با ریختن بمب بروی هوتل و کشته ومجروح کردن عده از اعضای شورا مانع از این گردهمائی گردند تردیدی نیست که دوستم برای جلوگیری از این گردهمائی دست به حملات هوائی بیشتری خواهد زد این حملات دوستم نشان میدهد که گردهمائی هرات تاچه حد باعث خشم و سراسیمگی ملیشه ها و کمونیست ها گردیده است.

از طرف دیگر بنابر گزارشهاي واصله از کابل، تفنگداران حکمتیار در ولایت میدان وردك بر سنگر هاي مشترك اتحاد اسلامی افغانستان و حرکت انقلاب اسلامی حمله برده اند این حمله نیز به این منظور صورت گرفته است تا نیروهای دولتی را در سمت غرب نیز مصروف ساخته واز فشار آنان بر مواضع مشترك حزب اسلامی و ملیشه ها در جنوب و شرق کابل بکاهند اما بیداری مجاهدین و نیروهای دولت اسلامی درین منطقه این پلان آنها را نیز به شکست مواجه ساخته وهم اکنون جنگ درین محاذ به نفع مجاهدین ادامه دارد.

از طرف دیگر حامد الغابد سرمنشی کنفرانس اسلامی از طرفین درگیر تقاضای آتش بس نموده است تا مذاکرات به منظور صلح آغاز گردد دولت ازاین پیشنهاد حامد الغابد استقبال نموده است در حالیکه یکی از سخنگویان حزب اسلامی ضمن رد این پیشنهاد گفته است که آتش بس زمانی صورت خواهد گرفت که دولت مواضعی را که در طی جنگ های اخیر از ملیشه ها گرفته است به آنها مسترد کند!!

داسلامي کانفرانس مشر حامد الغابد ماموریت

په دی ورو ستیوکی دافغانستان دروانی کشالی حل په هکله دخبری سرچینوتبصرویوه برخه داسلامی کانفرانس مشر ښاغلی حامد الغابد ماموریت جوړوی.

ښکاره خبره ده چی داسلامی کانفرانس سازمان دافغان قضیې په هکله دملګرو ملتوله سازمان سره اوږه په اوږه کارکوی اوغواړی چی هلته ژرترژره سوله تامین شی او په دی توګه دخلکو په خوښه او دهغوی په نمایندګی حکومت را منځ ته شی خو زموږ په عقیده، ښایی داسلامی کانفرانس او ملګرو ملتو نماینده ګانوپه منځ کی دا توپیر موجود وی چی په افغانستان کی دمحمود مستیری په شان وضعه لاخړه پرې نکړی او ز یار باسی چی په افغانستان کی دجنګ بنسټیز علتونه و لټوی په دی هکله له جهادی مشرانوهغوی سره هم خبری وکړی اوله جهادی مشرانو سره یوځای دجګړی اصلی عوامل هم په ګوته کړی او دله منځه وړلولپاره یی خپل تجویزونه وړاندی کړی زموږمجاهدملت دمحمود مستیری کړه وړه وکتل هغه ددی پرځای چی دخپل ماموریت په لړ کی دجنګ اساسی عوامل په ګوته کړی خلکو ته یی افشا کړی او ملګرو ملتوته دخپل لیکل شوی راپور په ترڅ کی دهغوی خبری بربنډی کړی زموږدمجاهد و مشرانو په شخصیت پسی دخپلو بادارانو په شان زهرجن تبلیغات پیل کړ ګویا هغه ددی لپاره افغانستان ته نه وتللای چی هلته سوله راشی بلکی ددی لپاره تللای وچی هلته نورهم حالات خراب کړی او خپلو استعماری بادارانونه کریډت واخلی مګر داسلامی کانفرانس مشر له مستیری څخه ځوځانګړتیا دی لری

(۷) مخ

هفته نامهء
اتحـــــاد اســـــلامی
بیانگــر آرمـان اتحــاد اسلامــی افغانســتان
صاحب امتیاز: اتحاد اسلامی افغانستان
ســال تــأسیس: عقـــرب ١٣٦٤ هـ ش
ناشر: بخش فرهنگی ریاست دعوت و ارشاد
آدرس: کابل - وزیر اکبر خان مینه - روبروی مسجد جامع
آدرس پستی درپشاور:
G.P.O. Box (786)
PESHAWAR - PAKISTAN

دوستم وطن فروش دی دهرات په غونډه کی یی نشو ...

دچنګاښ میاشتی(۱۳)مه شپه قاری بابا دغزنی والی اودحرکت انقلاب اسلامی نامتو قوماندان د(بی بی سی) رادیو له خبریال سره په یوه تلفونی مرکی کی وویل:

دهرات په غونډه کی به دمختلفو تنظیمونو قوماندانان برخه اخلی ده په دی غونډه کی دجهادی مشرانو دګډون په هکله وویل: که رهبران راځی اوکه نه راځی فرق نه کوی ...رهبران خو ملت ندی جوړ کړی؟ بلکی په پاکستان کی جوړ کړای شوی دی نو څنګه هغوی دملت نمایندګی کولای شی او موږ یی نشو کولای، ده دهیواد دجمهور رئیس دمودی اوږدیدو په هکله دیوی پوښتنی په ځواب کی وویل چی دافغانستان ستری محکمی حکم شرعی دی، ځکه چی په افغانستان کی اسلامی حکومت او قاضیان داسلام په اساس مینځ ته راغلی دی ، نوکه چیری څوك دقاضی حکم نه منی هغه له شریعت نه سر غړونه کوی ، ده زیاته کړه چی موږ شریعت ته غاړه ایښی اوپه سر سترګو مومنلی که زموږ دا دریځ په چا ښه تمامیږی اوکه بد- زموږ همدغه لاره ده.

ده دهرات په غونډه کی د دوستم دګډون په باب وویل چی :

دوستم وطن فروش دی، موږ څنګه کولای شو هغه چاته په دی غونډه کی برخه ورکړوچی لاسونه یی تر څنګلو پوری زموږ دشهید انوپه وینو سره دی...

ده ددی پو ښتنی په ځواب کی چی کله تاسی دجمهور رئیس په هکله دستری محکمی حکم منی نوپه هیواد کی مشر موجود دی- بیا دهرات غونډه دڅه لپاره ده ، وویل : زموږ شوری له رهبرانونه بیله شوری ده، خلك راټول کړی او اختیار ورکړی دی نو دا غونډه به ضرورکیږی او دهیوا دروانو کشالو دحل په هکله به خبری اتری په کی کیږی او تصمیم به نیول کیږی.

هدایت امین ارسلا او سردار روشن دواره امریکاته ولاړل

پیښورد جولاي ٤مه:

د سعودی عربستان د جدی څخه خپرویدونکی دالمسلمون جریدی پخپلی(٤۸۸)ګڼی کی د افغانی دیپلوماتیکو سرچینوپه حواله لیکلی چی دافغانستان د اسلامی دولت جمهوررئیس پوهاند ربانی د بهرنیو چارو وزیر ښاغلی هدایت امین ارسلا له خپل دندی څخه دګوښه کولوتکل کړیدی .

جریده د خپل ادعا د ثبوت لپاره لیکلی چی کله ښاغلی ارسلا قاهری ته د ناپییلو هیواد ونو په کنفرانس کی د ګډون لپاره ورسید نو په هوائی ډګرکی د یو عادی شخص په توګه استقبال او ورڅخه معذرت وغوښتل شو او ورته وویل شول چی پوهاند ربانی مونږته د تلګرام له لاری احوال راکړی چی نوردی'د دولت نماینده ګی نشی کولی او داسلامی دولت په نمایندګی به په قاهره کی افغان سفیر ښاغلی محمدصدیق سلجوقی په کنفرانس کی برخه اخلی.

جریده لیکی چی:ښاغلی ربانی د کابل د روان جنګ په دوران کی خبرداری ورکړی ؤچی ټول وزیران او دولتی مامورین باید دوری د میاشتی تر لومړۍ ورځی پوری خپلی دندی اشغال کړی اوکنه نو بیا به څوك دشکایت حق نه لری ، ولی د دولتی خبرداری سره سره نوموړی وزیر خپلی وظیفی ته حاضر نشو.

خو اوس معلومه شوی ده چی امین ارسلا د قاهری له میدان څخه په چوپه خوله امریکا ته تللی دی او کابل اوپېښورله راستنیدو څخه منصرف شویدی.

له بله پلوه د اسلام آباد څخه خپریدونکی د نیشن انګلیسی ژبی ورځپاڼی د جون په ۲٤مه او دراولپنډی څخه خپریدونکی د نوای وقت ورځپاڼی پخپلی ۳٦۹ ګڼی کی لیکلی چی په اسلام آباد کی افغان سفیر ښاغلی سردار روشن هم له خپلی وظیفی څخه استعفی ورکړی او د هغه په ځای انجنیر محمد مختار د سفارت سر پرست ټاکل شوی دی.

نوای وقت لیکی چی دپوهاند ربانی او روشن ترمنځ د اختلافاتو مرکزی ټکی هغه دوه نیم سوه لکه کلداری دی چی د سفارت په اکاونټ کی ځای په ځای شوی او سفیر یی دولت ته د تسلیمو لو څخه انکار کړی ؤ.

نیشن لیکلی چی انجنیر مختار د نوموړی په وینا د خدای په امانی یوه ملیمستیا هم جوړه کړی وه، چی اوس امریکا ته رسیدلی دی.

از تداوی ملیشه های ملحد در شفاخانه های جلال آباد...

قرار اطلاعات موثقی که از جلال آباد رسیده است آنعده از افراد ملیشه های جنایتکار دوستم که در جنگ علیه مجاهدین زخمی می شوند توسط افراد حکمتیار به شفاخانه های صحت عامه وپوهنتون ننگرهار منتقل گردیده وتحت تداوی قرار میگیرند.

البته واضح است که این عمل به دستور حکمتیار صورت میگیرد وجزئی از همکاری وی با ملیشه ها در جنگ علیه ملت است ولی شورای جهادی ننگرهار که متشکل ازهمه نیروهای جهادی ولایت ننگرهار بوده واداره آن ولایت را بدوش دارد دوستم ملحد را برسمیت نمی شناسد وملیشه هارا از دشمنان اسلام بشمار میآرد لذا وظیفه ایمانی آنهاست که جلو این عمل ضد اسلامی را بگیرند واز تداوی قاتلان ملت و جنایتکاران در شفاخانه هائیکه مربوط فرزندان باایمان کشور است جلو گیری بعمل آرند

حامد الغابد منشی سازمان کنفرانس ا سلامی با بعضی از رهبران افغانی دیدار نمود

حامد الغابد منشی عمومی سازمان کنفرانس اسلامی که اخیراً وارد پاکستان شده است با مولوی محمد نبی محمدی و مولوی خالص و نمایندگان دولت اسلامی و حزب اسلامی در پشاور دیدار و مذاکره نمود.

وی قبلاً با صبغت الله مجددی و پیر گیلانی و آیت الله محسنی در اسلام آباد نیز ملاقات کرده بود.

وی در این ملاقات ها در مورد جستجوی طرق حل پایدار که منجر به صلح و آرامش دائمی در افغانستان گردد ،با رهبران و نماینده های آنها به بحث و تبادل نظر پرداخت.

حامد الغابد از نتیجه مذاکراتش اظهار اطمینان نمود و گفت:وی به اینگونه تلاشهای صلح که مطابق خواست و آرمان ملت افغان است، ادامه خواهد داد.

داسلامی اردواتل قوماندانان ملاعزت اوشیرعلم روغ رمټ دی

پیښوراتحاد اسلامی خبریال:

دشهادت اونیزی بینګنځلنامی په (۸۰٦)مه ګڼه کی داسلامی اردو د دوو تنو اتلو قوماندانانو دټپیتوب درواغ خبرنشر شوی داتحاد اسلامی جریدی خبریال دیو مخابروی تماس په نتیجه کی چی له پغمان سره یی درلوده لیکی چی ددرواغو شهادت دخپل همیشنی عادت له مخی په دی برخه کی هم درواغ ویلی دی -دا دواړه قوماندانان الحمد الله روغ رمټ دی اودکمونستانو،کمونستو ملیشو اودهغوی دپلویانو پرخلاوباندی پرله پسی بریدونه کوی - که څوك په دی باب شك لری موږکولای شو هغوی ددی دواړو قوماندانانو دلیدلو لپاره کابل ته بوځو. اصلاً خبره داده چی شهادت په دی اوتو او پرتو دهماهنګی ائتلاف پررسوا ماتو باندی پرده غوړوی اوځان ته په دغسی پرېنډو درواغو باندی تسلی ورکوی.